

۴ مانع تحقق کامل ظرفیت‌های اقتصادی برجام



محسن جلال پور

تحلیلگر اقتصادی و رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران

درون بنگاهی بود. وقتی صورت‌های مالی یک مجموعه روشن نباشد به صورت قطع شرکت‌های سرمایه‌گذاری اعتمادشان کم می‌شود. باید پذیرفت ایران در زمان اجرایی شدن برجام نتوانست نیازهای آنها را برطرف کند. بر همین اساس بود که اتاق بازرگانی همواره توصیه می‌کرد که بنگاه‌ها با اقتصاد بین‌الملل هماهنگ‌تر عمل کنند تا امکان همکاری‌های مشترک فراهم شود.

۴- قوانین دست و پاگیر و فساد اداری هم از دیگر نکاتی بود که باید مورد اصلاح قرار می‌گرفت. قبل از همه اینها ما باید استراتژی جذب سرمایه داشته باشیم و در این استراتژی مشخص شود که در

برجام دستاورد بسیار خوبی بود که با هدایت رهبر معظم انقلاب و درایت ریاست جمهوری و کفایت تیم مذاکره‌کننده به سرانجام رسید. این امر می‌توانست مایه توفیق خوبی برای اقتصاد کشور شود تا حوزه‌های مختلف فعالیت خود را وارد فاز جدیدی کنند. ولی این دستاورد مهم جناحی دیده شد و بدین جهت فعالان اقتصادی آنجور که باید نتوانستند به نحو مطلوب از ثمرات آن برداشت کنند.

در جلسه‌هایی هم که با ظریف وزیر امور خارجه داشتم این صحبت مشترک ما بود که باید از ظرفیت برجام به جهت بعد اقتصادی آن استفاده کنیم. به نحوی که بتوان نتیجه و دستاورد آن را در بخش اقتصادی ظهور و جلوه دهیم. متأسفانه نگاه از زاویه خط و خطوط جناحی این ظرفیت را به صورت کامل هنوز محقق نکرده است. بعد از اجرایی شدن برجام هیأت‌های متعددی از کمتر از ده نفر تا ۴۰ نفر به کشورمان آمدند و بر حضور و سرمایه‌گذاریشان بارها تأکید کردند.

همه می‌دانند سرمایه‌گذاران کشورهای مختلف برای ثانیه و دقیقه‌های خود بسیار ارزش قائل هستند و حاضر نیستند زمان خود را از دست دهند. همچنین برای هرسنت پول خود برنامه داشته و زیربار هزینه بیجا نمی‌روند. لذا وقتی وارد ایران شدند هدف اصلی‌شان همکاری مشترک بود. این را باید بدانیم که هیچ فعال اقتصادی چه داخلی و چه خارجی حاضر نیست پول خود را صرفاً برای امور غیرواقعی و بی‌درجهت اغراض سیاسی هزینه کند.

برجام راه را باز کرد ولی ما از بعد اقتصادی نتوانستیم ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های خود را معرفی کنیم. ۴ دلیل اصلی که در ادامه می‌آید موجب شد تا تمام ظرفیت‌های برجام در حوزه اقتصاد محقق نشود هر چند که این موارد محدود به دولت آقای روحانی نیست و موضوعات زیر ساختی است که باید از سال‌های گذشته به آن توجه می‌شد.

۱- فضای آرام و مطمئن را نتوانستیم برای سرمایه‌گذاران فراهم کنیم. با برخی از تنش‌ها و فضای سازی‌هایی که از طرف برخی از جناح‌ها در کشور ایجاد کردند فضای امنی فراهم نشد. برای آنکه بتوان سرمایه‌گذاری را جذب کرد باید به آنها اطمینان داد که ریسک سرمایه‌گذاری بسیار پایین است.

۲- پس از برجام رهبر معظم انقلاب بدرستی خطر نفوذ را گوشزد کردند. اما آنچه اتفاق افتاد برداشت ناصحیح از این مطلب بود. پیشگیری از نفوذ بایستی توسط مراجع ذیصلاح و به صورت کاملاً پوشیده انجام می‌گرفت. همانگونه که مادر مسائل امنیتی کاملاً هشیارانه مانع از نفوذ اجانب به کشور شده‌ایم باید در پیشگیری از نفوذ اقتصادی هم عمل می‌کردیم.

اینکه شناخت نفوذ را به سطح جامعه و فو مابین افراد غیر متخصص واگذار کنیم مسلماً فضای سرمایه‌گذاری را مخدوش کرده‌ایم.

۳- در طول سال‌های تحریم فضای کسب و کار داخلی به علت تحریم نتوانست هماهنگ با اقتصاد جهان حرکت کند. زمانی که این اتصال برقرار شد ایران نتوانست با سرعت خود را با شرایط بین‌المللی هماهنگ کند. نمونه آن آماده نبودن بانک‌ها، شفاف نبودن عملکرد بنگاه‌ها و بسیاری از پیچیدگی‌های

شده توافق هسته‌ای را به سرانجام برساند، می‌توان انتظار داشت که مشکلاتی مانند آنچه بیان شد را نیز حل کند. امروز موضوع این است که وضعیت کسب و کار در اقتصاد ایران چندان سهل و تسهیل شده نیست. بنابراین سرمایه‌گذار خارجی و داخلی هم با دست‌باز و دل آرام به استقبال کار در ایران نمی‌آید. از طرف دیگر فساد در اقتصاد ایران بیداد می‌کند. در چنین شرایطی نباید از سرمایه‌گذار خارجی انتظار داشت که دارایی‌هایش را به ایران منتقل کند. این موضوعات ساده و غیر قابل گذشت نیست. به هر حال همه می‌دانیم که سرمایه‌گذار خارجی برای حضور در اقتصاد یک کشور به شاخص‌ها بشدت توجه می‌کند و وقتی شاخص‌ها اینگونه علائم ناامیدکننده از خودشان نشان دهند، همه چیز برهم می‌ریزد. حالا خواسته بخش خصوصی از دولت این است که با همان تدبیری که برجام را به سرانجام رساند، این مشکلات ساختاری را هم حل کند. اینها همگی در اختیار دولت است و قطعاً با شناختی که از کابینه وجود دارد، می‌توان انتظار رفع مشکلات را داشت. اما در هر حال، موارد اشاره شده را نمی‌توان به برجام ربط داد. برجام و توافق هسته‌ای قراردادی تاریخی و زمینه ساز رشد اقتصاد ایران است. موضوع اینجاست که ما باید در داخل هم زمینه‌ها را برای بهره‌گیری هر چه بیشتر و بهتر از این قراردادها مهیا کنیم. در صورتی که این اتفاق رخ ندهد، به طور حتم فرصتی تاریخی را از دست داده‌ایم. نیاز بسیار ضروری و حیاتی ما این است در وفاقی ملی و با وحدتی سراسری مشکلات حل شود. برکسی پوشیده نیست که مشکل امروز جامعه ایران اشتغال است و بنابراین باید تمام برنامه و نگاه مسئولان روی این موضوع متمرکز باشد که برای جوانان کشور اشتغال ایجاد شود. این هدف نه سیاسی و نه جناحی است و همه دلسوزان کشور باید ذهن‌شان را مشغول یافتن راهکاری برای حل این مشکل کنند.

● روی صحبت‌تان با دولت است. اما بخش خصوصی چطور؟ به نظر شما بخش خصوصی کشور در مورد برجام خوب عمل کرد؟ یعنی از فرصت‌ها درست استفاده شد؟

بخش خصوصی ایران هم یک دهه از تعامل درست و منطقی با اقتصاد جهان محروم بوده است. بنابراین برخی اصول مانند مذاکرات تجاری و دیپلماسی رفتار را باید در بخش خصوصی تقویت کرد. با وجود این بخش خصوصی ایران از دل و جان مایه گذاشت و نشان داد که برای پیشرفت اقتصاد کشور تا هر نقطه‌ای پیش می‌رود. به هر حال در سال‌های سخت تحریم‌ها همین بخش خصوصی، اقتصاد ایران را حفظ کرد و همین بخش خصوصی بود که زمینه‌ساز ادامه حیات اقتصاد ایران شد. بعد از برجام هم نهایت تلاش به کار گرفته شد تا بخش خصوصی بیشترین تمرکز را برای احیای روابط با کشورهای دیگر بگذارد. اما بخش خصوصی هم اختیارات محدودی دارد. به هر حال سرمایه‌گذار خارجی نیاز به تضمین‌هایی دارد که در اختیار بخش خصوصی نیست یا در مورد مشکلات ساختاری که به آنها اشاره شد، بخش خصوصی تنها می‌تواند راهکار ارائه دهد که به طور خاص این اتفاق در اتاق بازرگانی تهران هم رخ داده است. مبارزه با فساد و رفع این مشکلات ساختاری با دولت است. در نهایت باید بگویم که بخش خصوصی ایران پس از توافق هسته‌ای کم نگذاشته و همچنان به تلاش ادامه داده است. به هر حال همه صاحبان کسب و کار دل بسته اقتصاد کشور هستند. اما سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و مولد نیاز به تضمین‌های بیشتر و منطقی‌تر هم دارد. همه حرف ما این است که دولت می‌تواند با همان الگویی که برجام را به سرانجام رساند، زمینه حل مشکلات کلیدی و ریشه‌ای کشور را مهیا کند. در اینصورت هم بخش خصوصی ایران و هم سرمایه‌گذار خارجی آماده است که در اقتصاد ایران حضوری جدی‌تر داشته باشد. نباید فراموش کرد که اقتصاد ایران مزیت‌های بسیاری دارد که هیچ سرمایه‌گذاری آنها را نادیده نمی‌گیرد. امکان دسترسی به بازارهای منطقه‌ای با جمعیت ۴۰۰ میلیون نفری، دسترسی به جاده و فرودگاه و راه‌آهن و از همه مهم‌تر امنیتی که در کشور حاکم است همگی دارایی‌های مثال زدنی ماست که باید از زمینه‌ها برای بهره‌گیری بهتر از آنها استفاده کنیم. امروز باید گفت که دیپلماسی کار خودش را کرده و باید منتظر عمل در بخش‌های دیگر باشیم.



کدام حوزه و به چه میزان پذیرش سرمایه‌گذاری باید صورت گیرد. به عنوان مثال در هند می‌گویند در بخش دارو اجازه سرمایه‌گذاری تا ۵۰ درصد را می‌دهند.

همه کشورها چنین استراتژی دارند ولی ایران با وجود پتانسیل‌های زیادی که دارد هنوز مشخص نکرده است که سرمایه‌گذاران خارجی تا چه حد (۵۰ درصد - صد درصد - کمتر یا بیشتر و یا اصلاً) مجوز سرمایه‌گذاری دارند.

جذب سرمایه‌گذاری خارجی تیغ دولبه است. قرار نیست هر گونه سرمایه‌گذاری خارجی مطلوب باشد این احتمال وجود دارد که با جذب سرمایه خارجی چالشی هم برای کشور ایجاد شود. مانند امریکای جنوبی که بعد از جذب سرمایه‌های خارجی با وضع بدتری روبه‌رو شد. بدین جهت باید اولویت‌های سرمایه‌گذاری مشخص شود تا بر اساس آن حرکت و مذاکره کرد.

آنچه مسلم است برجام خدمت بزرگی را به اقتصاد کشور کرده است. نباید اجازه دهیم موضوعات حاشیه‌ای به این کار بزرگ لطمه وارد کند. ما در زمان تحریم با وضعیت نامطلوبی روبه‌رو بودیم و نمی‌توانستیم فعالیت‌های خود را توسعه دهیم ولی با تحقق برجام فرصت‌های خوبی پدید آمده است که نباید با نگاه‌های سیاسی از بین برود.

فضای آرام و

مطمئن را نتوانستیم

برای سرمایه‌گذاران

فراهم کنیم. با

برخی از تنش‌ها

و فضای سازی‌هایی

که از طرف برخی

از جناح‌ها

در کشور ایجاد کردند

فضای امنی فراهم

نشد. برای آنکه

بتوان سرمایه‌گذاری

را جذب کرد باید

به آنها اطمینان

داد که ریسک

سرمایه‌گذاری بسیار

پایین است